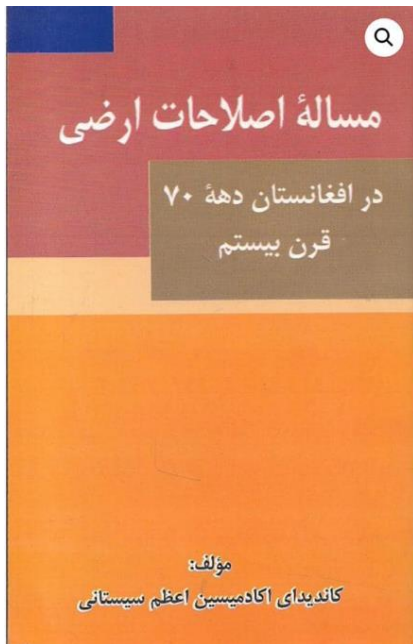




۱۳/۰۱/۲۰۲۳

کاندید اکادمیسین سیستانی

نخستین گامهای جمهوری داودخان در جهت اصلاحات ارضی



یک بار دیگر این پراگراف را تکرار میکنم که، تا قبل از کودتای ثور «در کشور ما زمین و آب بزرگترین ثروت ملی و عمده ترین و کهن ترین منبع روزی و در آمد مردم بود. چه در حدود ۸۰ تا ۸۵ درصد نفوس کشور در کارهای زراعتی مصروف بودند و از طریق آن امرار معاش مینمودند. ولی بنابر عدم رشد لازم نیروهای مولده، استفاده از آلات و ادوات و ابزار ابتدائی تولید در زراعت متکی بر شیوه تولید فیودالی و ماقبل فیودالی محصولات کشاورزی فی واحد کشت در افغانستان در مقایسه با کشورهای دیگر بسیار اندک و ناچیز بود که جوابگوی نیازمندی مردم از جهت مواد ارتزاقی و از صنایع از لحاظ تهیه مواد خام نبود. پس یگانه راه نجات کشور از این بن بست اقتصادی و اجتماعی، انجام اصلاحات ارضی و اب و خاتمه دادن به تسلط مناسبات تولیدی عقب مانده قرون وسطائی در کشور پنداشته میشود.»

هر انسان سلیم العقل وحق پسند وصادق در می یابد که سیاست اصلاحات ارضی ، یک سیاست مترقی و عادلانه است. مترقی بدان معنی که دولت می باید توده های میلیونی زحمتکش کشور یعنی دهقانان را از رنج دیرینه و توان فرسای مناسبات فیودالی نجات بدهد، و برای آنان زمین ، این کهن ترین منبع روزی و برکت را به مقدار و میزانی که بتواند احتیاج یک خانواده برزگر را از لحاظ تهیه مواد غذایی تأمین نماید، اعطا کند. عادلانه به این معنی که تحقق این امر مغایر اساسات و شعایر دین اسلام نیست و نباید باشد، زیرا که اسلام نیز خواهان جدی عدالت اجتماعی و مخالف افراط و تفریط از لحاظ موجودیت طبقات فقیر و غنی در جامعه میباشد.

نخستین گامها در این جهت در دوره حکومت جمهوری محمد داود برداشته شد. در پروگرام حکومت محمد داود در این زمینه گفته شده بود که، مناسبات کهنه زراعتی و شیوه های بسیار ابتدائی و عقب مانده زراعت که متأسفانه هنوز در جامعه ما مسلط است، باعث فقر دهقانان، تنگ بودن بازار ملی، عدم قدرت خرید مردم و کمبود مواد خام زراعتی گردیده است.

۱- قانون اصلاحات ارضی:

د پانوی شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولی

در اگست ۱۹۷۵ قانون اصلاحات ارضی توسط دولت در جریده رسمی به نشر رسید. در افغانستان بسیاری از مالکین زمین، اراضی بی به مراتب افزونتر از وقوف دولت در اختیار داشتند. زیرا مامورین آن دوران در هنگام تثبیت ملکیت ملاکین رشوه می گرفتند و اندازه ملکیت شانرا در اسناد مربوط به مراتب کمتر از حذواقعی آن درج میکردند تا بدین وسیله زمینداران را از پرداخت مالیه کامل نجات دهند. مطابق به ماده اول قانون اصلاحات ارضی، همه زمین هایی که در اسناد ملکیت ثبت نمیگردید، ملکیت دولت ساخته میشود.

مطابق ماده دهم قانون مذکور، استملاک زمین بمقصد اصلاحات ارضی از طرف حکومت در برابر تعویض صورت میگرفت. قیمت زمین اسملاک شده مطابق مقررات تادیه قیمت تنظیم میگردد و حکومت در مدت ۲۵ سال در عوض زمین استملاک شده پول آنرا با دو فیصد ربح (مفاد) به مالک زمین می پرداخت. همین مدت برای تادیه قروض دهقانانیکه زمین بدست می آوردند، نیز تعیین گردیده بود.

در نظر بود تا زمین قابل توزیع به شخصی که تابعیت افغانستان را داشته باشد، و سن هجده سالگی را تکمیل نموده وی زمین باشد، توزیع گردد. و حق اولیت به دهقانانی که قبل از انفاذ این قانون بالای زمین مالک مشغول کاربود و همچنین به کوچیان بی زمین، دهاقین و کارگران زراعتی و فارغان مکاتب مسلکی زراعت و مالداري داده شود.

قانون نصاب زمین داری راقرار آتی تعیین مینمود:

الف- ساحه زمینداری آبی دوفصله ۱۰۰ جریب یا معادل آن- ۲۰ هکتار.

ب- ساحه زمینداری باغی ۱۰۰ جریب، یا معادل آن - ۲۰ هکتار.

ج- ساحه زمینداری آبی یک فصله ۱۵۰ جریب یا معادل آن- ۳۰ هکتار.

د- ساحه زمینداری للمی ۲۰۰ جریب یا معادل آن - ۴۰ هکتار.

قانون اصلاحات ارضی بعد از گذشت یک سال یعنی در ماه اسد سال ۱۳۵۵ نافذ میگردد.

۲- قانون سروی، تصفیه و ثبت اراضی :

در ماه اسد سال ۱۳۵۵ قانون سروی، تصفیه و تثبیت اراضی از جانب حکومت به تصویب رسید. مطابق این قانون همه زمینداران مکلف میگردیدند، تا اولاً فورمه های اظهارنامه را خانه پری نمایند و در آنها اندازه و موقعیت زمین های را نشان دهند.

بعداً هیئت سروی کادستر، قطعات اراضی و مشخصات مربوط آنرا حسب اظهارات زمینداران و تائید پلوان شریکان سروی و تعیین میکرد و نتایج آنرا برروی نقشه و جدول مربوطه درج مینمود و بالاخره اداره اصلاحات ارضی هیئت تصفیه را بخاطر تثبیت قانونی ملکیت زمیندار، حقا به ، مساحت، درجه مالیه و ثبت ساحه زمینداری در دفاتر اساسی به محلات میفرستاد. گروههای تخنیک ریاست عمومی کارتوگرافی در سال ۱۹۷۴ در کشور شروع بکار نمود و در جریان نقشه کشی مفصل اراضی زراعتی معلوم گردید که محض در سه ولایت هرات، نیمروز و فراه ۳۱ هزار جریب زمین اضافه جریب (مازاد) بصورت غیر قانونی در تصرف زمینداران بود.

د پانو شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

بمنظور تطبیق پروگرام اصلاحات ارضی در نظر بود تا اولتر عملیه تصفیه، بملاحظه نتایج سروی کادستر یا اظهار نامه املاکی که مجموع ساحه زمینداری شخص را بیشتر از صد جریب نشان بدهد، صورت گیرد.

هرگاه سند ملکیت شخص توسط هیات تصفیه، مدار اعتبار شناخته نمیشد، ساحه شامل سند مذکور در ملکیت دولت قرار میگرفت ولی دهقانی که ساحه زمینداری وی بشمول اضافه جریبی، ده جریب ویا کمتر از آن می بود، اضافه جریبی مذکور جزء ملکیتش محسوب میشد.

۳- قانون مالیه مترقی:

در ماه جولای سال ۱۹۷۶ دولت قانون مالیه مترقی را بر اراضی نافذ نمود. بر اساس این قانون مالیه مترقی بر اراضی باید توسط حکومت با در نظر گرفتن کمیت و کیفیت زمین جمع آوری میگردد. کیفیت زمین در ارتباط با منابع آبی، حاصلخیزی زمین و فاصله آن از بازار تعیین میگردد. با در نظر گرفتن همین مشخصات همه زمین های تحت زراعت به هفت درجه تقسیم میشدند. بر اساس این تقسیمات مالک زمین درجه ۷ از ده جریب زمین باید به همان اندازه مالیه می پرداخت که مالک زمین درجه اول از یک جریب زمین بود.

به همین ترتیب مقدار مالیات قطعات زمین درجه ۶، ۵، ۴، ۳، ۲ تعیین میگردد. همچنین مقدار مالیه اراضی بابلند رفتن مقدار زمین و افزایش سطح عوایدیکه مالک آن بدست می آورد، روبه تزايد بود.

مثلاً، مالک ۱۰ جریب زمین درجه اول با عاید خالص حدود ۱۵۰۰۰ افغانی باید از هر جریب ۴۵ افغانی، مجموعاً ۴۵۰ افغانی و مالک ۲۰ جریب زمین، از ۱۰ جریب ۴۵۰ افغانی و از هر جریب زمین بالاتراز ۱۰ جریب ۶۰ افغانی می پرداخت. و اگر مالک از ۲۱ تا ۵۰ جریب میداشت، مازاد ۲۱ جریب ضرب ۸۵ میشد، و اگر مالک از ۵۱ تا ۱۰۰ جریب میداشت، مازاد ۵۰ جریب ضرب در ۱۱۲ میگردد و اگر مالک از ۱۰۱ تا ۲۰۰ جریب میداشت، مازاد صد جریب ضرب ۱۷۵ میگردد و اگر از ۲۰۱ تا ۵۰۰ جریب میداشت، مازاد ۲۰۰ جریب ضرب در ۲۳۵ میگردد و مالک بیشتر از ۵۰۰ جریب زمین درجه اول، میداشت مازاد ۲۰۰ جریب ضرب ۳۱۵ و مالک ۵۰۱ الی ۱۰۰۰ هزار جریب زمین درجه اول، اراضی مازاد ۵۰۰ جریب ضرب در ۴۰۰ و بیشتر میشد. (رجوع شود به جدول ضمیمه قانون مالیات مترقی)

من خود در نیمروز شاهد بوده ام که بسیاری از مالکین بزرگ حاضر شده بودند تا قسمتی از اراضی خود را که سالانه بدون آبیاری و بدون بهره گیری مانده بود، و از آن حاصلی برنمیداشتند مگر بار مالیات مترقی هر سال بردوش مالک سنگینی میکرد، خود به دولت رجوع میکردند و در بدل پول پرداخت مالیه مترقی، زمین خود را به دولت واگذار میشدند. تا به حساب زمین کمتر، سالانه مالیات کمتر بپردازند. به نظر اینجانب اگر همان قانون اصلاحات ارضی محمد داود خان الگویی برای اصلاحات ارضی در دوره حاکمیت حزب دموکراتیک قرارداد میشد، پروسه اصلاحات ارضی شاید بدون درد سر و یا با جنجالهای کمتری در سراسر کشور تطبیق میگردد. و بعد از این نیز

اگر دولت روزی نیت کند تا دست به اصلاحات ارضی بزند، قوانین دوره داود بهترین قوانین برای تحقق اصلاحات ارضی شمرده میشود.

در قانون مذکور امتیازاتی برای اعضای کوپراتیف های زراعتی پیش بینی گردیده بود. هرگاه ساحه زمینداری اعضای کوپراتیف های زراعتی بیشتر از ده جریب زمین درجه اول و یا معادل آن نمی بود، ۲۰ درصد واز عضویکه بیشتر از ۱۰ جریب زمین معادل درجه اول نداشت، ۱۰ درصد (علاوه بر رعایت حکم ماده هفدهم) در اندازه مالیه وی تخفیف داده میشد. زمینی که باید تحت پروگرام اصلاحات ارضی و اسکان مطابق قانون به مستحق توزیع میگردد و همچنان زمین بایر دولتی که به منظور صالح الزراعه ساختن آن بفروش میرسید، برای سه سال اول از مالیه معاف میشد.

معلوماتاراست که دولت در تلاش بود تا از طریق مالیه مترقی بر اراضی از جنبش کوپراتیفی و مالکین کوچک حمایت و پشتی بانی نماید و اعضای کوپراتیف ها و یا دهاقینی که از دولت زمین بدست می آوردند، کاملاً و یا قسماً از مالیه معاف و در عین زمان امکان بلند بردن عواید دولت از حساب زمینداران بزرگ مهیا میگردد. پروسه محدود ساختن ملکیت های بزرگ و تحقق کامل قانون اصلاحات ارضی ۱۰ سال (۱۹۷۶-۱۹۸۶) را در بر میگرفت.

دکتور کبیر رنجبر در رابطه به سیاست ارضی حکومت جمهوری نوشته است: "هدف اساسی قانون مالیه مترقی بر اراضی، تسریع هرچه بیشتر رشد پروسه مناسبات سرمایه داری در دهات بود. قانون مذکور از جهتی وضع اقتصادی خرده مالکان و دهاقین کم زمین را استقرار می بخشید و از جانب دیگر ملاکین را وادار میساخت تا هم از ساحه زمینداری خویش استفاده ثمر بخش و اعظمی نموده، کشاورزی خویش را به شیوه های سرمایه داری سازمان دهند. حکومت محمداود که در سالهای اول بعد از سقوط رژیم سلطنتی، مواجه به مقاومت وسیع جناح محافظه کار و راست ملاکین گردیده بود، میخواست بخاطر فرونشاندن خشم آنها سیستم مالیه مترقی اراضی را در مرحله مذکور جاگزین اصلاحات ارضی و محدود کردن زمینداری های بزرگ سازد. بدون در نظر گرفتن اهداف طبقاتی فوق، اقدام حکومت در مورد توشیح قانون مالیه مترقی بر اراضی در شرایط آن زمان یک گام مترقی بود، ولی تا پایان حکومت محمداود ارگانهای دولتی قادر نگردیدند تا از ملاکین به سیستم جدید مالیه اخذ نمایند.... دولت علاوه بر اقدامات عمده فوق، تدابیر دیگری را نیز بخاطر جاودان ساختن سمت گیری سرمایه داری کشور اتخاذ نمود. دولت به ساحه مداخلات و سرمایه گذاری های خویش در سکتور زراعت و مالداری وسعت قابل ملاحظه ای بخشید و ارگان های مربوط به بانک انکشاف زراعتی، شرکت کود کیمیاوی افغان، شرکت دولتی تخم بذری، پروژه انکشاف دهات، پروگرام انکشاف مالداری، باغداری و سبزی کاری را فعالتر ساخت."

(رک: مساله اصلاحات ارضی در افغانستان دهه ۷۰ قرن بیستم، تالیف کاندید اکادمیسین سیستانی، انتشارات دانش، کابل، ۲۰۰۸، ص ۱۱۳-۱۲۷)